

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامتلفی

الهیچ حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۴

شنبه ۲۱ آبان ۱۳۲۴

تک شماره ۶ ریال

برای رفع مشکلات اول تشریک مساعی لازم است

مسأرتی هسته از پایه و سردهشت دو روز قبل بطهران رسیده بود در روز دوشنبه روزنامه آمد تا از اوضاع این سده و وضع بریشان مردم دورآگاهانه آتیا ما را خبری دهد

لای انکشت هامیبرند و بسوی میروند که دیگر برگشتن بیکار اولیه دشوار است

داستان های که از زندگانی چند ماهه اخیر این گروه مرز نشین باز میگفت شخص در در بهائی از آثار غوطه ور میساخت و همه دادبادداشت های را که از این مسافرت توبه کرده در اختیار ما بیکار دتامام اگر فرستی شد خلاصه ای از آنرا باطلاع هموطنان برسانیم

این هفته های پرورده شده این آب و خاک را بهارچ برتاب میکنند تا در خاک دیگری رفته و نوس نماند خلا این ناحیه را به - ویرانی میکشاند و از ویرانی یک منطقه قسری برای خود باید بیازاند

داستان های قبیله ای که سده مدهدی در آنجا مرتب شده اند و راه های که برای چنگ آوردن مال رفته اند و افغان شیشه ای بود و لازم است شخص این ضلایق را بشنود که بر زندگی سراسر منت - تهران پیش رفتگی آنان که در نواحی جنوبی این شهر زیبا بنام افراد پایتخت سکونت دارند و تقطاز گرانی و فقر و بیماری که وی آبی و نامتلفن پیدا داشت شکایت دارند و رفته بپرد

آخر روزی باید این انکشت های مسموم که در عرقش بجای خون عناصر متشکله آن حیثیات و فدای رسم کشنده وطن فروشی - جبران دارد قطع گردد من امروز آنجا آمی - آن مسافر تازه وارد برابم هتل کرد چیزی نینویسم ولی برای جلوگیری از اداعه این وضع رفت - با دو این زندگی بهتر از مرگ با ایسان و چه دان اولیای مسئول فعلی توسل جسته وزیر کشور و وزیر جنگ و امعاطب فرار داده سپس وقت فرامانه لشکر قسلی گریستان را بکنای چند متوجه میباشم

شخصی که این اوضاع و ایسان میکرد کرد نبود تا تصور کنم روی منصب به - الحراق گویی پرداخته خصوص ما هم من ندانم که گمان کنم این مقدمات را برای موخرهای جیده این شخص ماموری بود که دست طبیعت چند ماهی او را باین مکان دور انداخته انداخته بود. ناحیه ای که صدای شج و فریاد مظلومانش اگر گوشش دراز و رکسخته برده سناخ بکی از اولیای امور و مرشدین نخواسته ساخت

گریستان را بکنای چند متوجه میباشم **آقای قبیله ای** متدی که در امور ملکیت داوید و با اطلاعات کافی که از مسافرت سال گذشته از نواحی مختلفه گریستان کسب کردید امروز شما از وطن پرستی و علاقه مردم این سرزمین پشاه و ملکیت بیان نمودید امروز شما در وزارت کشور هستید آیا مجال خواهید داشت که آنچه را سال گذشته خود دیده اید از مد نظر بگذرانید و آنچه را که در این باب نوشته اید دوباره مطالعه کنید و آنچه را که گفته اید مجدداً تکرار کنید و از مجموعه آنها قسمی در عمل بگذرانید

آزادی مردمانی که در این نواحی سکونت دارند ایرانی هستند و با تمام علاقه و عشق و وفای که بوطن دارند و وزیر بار نشان و ظلم و جور و بیاداری نوده ولی عاقبت یک پتک مانه هسته توی کوه که بین دو انکشت قوی فشرده شود از

آقای قبیله ای **آقای قبیله ای** و آنوگرتاری های روزانه و وزارتخانه بشما فرصت خواهد داد که بیاس احترام و استقبال شایانی که مردم این ناحیه از شما کردند و علاقه ای که بوطن نشان دادند

خلاصه حیاتی برای آنان تامین کنید

شادر سال گذشته مطالعه دقیقی در اوضاع و احوال این مناطق نموده و معایب کار و سوء سیاست ماموران را از نزدیک مشاهده کردید آیا فرصت خواهید داشت این معایب را تا حدی که مقدر است مرتفع کنید و روش غیاس و وثاقتی اتخاذ کنید که هم خدمت بملکت باشد و هم خدمت بامت

از مسافرت سال گذشته شما که بنام وزیر مشاور و فرستاده شاه بگریستان عزیمت نمودید مردم انتظارانی داشته ولی متاسفانه تمام آن انتظارات بیکس نتیجه بخشید یعنی نه تنها سربازی از دوش مردم برداشته بلکه بیکه بار ظلم و تهمی و اختیانت عمومی سنگین تر شده و چیزی نمانده بود که حتی آخرین رمق نیز گرفته شود و آخرین نفر هم قطع گردد

امروز که شما در اواسط مشکلاتی که لایزال مانده امروز حل خود امروز شما در کتبی ای شرکت دارید که اکثر اعضای آن مورد اعتناست و تمام مردم است درین وقتش شخص پاکدامن و وطن پرست است امروز موقع خدمت است آنچه را امروز شما در باره گریستان قدم اصلاح بردارید بر طرف مردم با نهایت جدیت پشتیبانی خواهید شد و این مردم این نواحی بیکه های شما اطمینان خاطر می یابند و میداندت شما غیر ملاحظه ملکیت و آنان نظر دیگری ندارند میداندت که شما مرفض نیشید بقای این با علاقه و اطمینان کتک های شما را جامه عمل میوشانند

این سدهای سدهدی که ایجاد کرده بودند از یکطرف بین مامورین لشکری و کشوری و از طرف دیگر بین مامور دولت و مردم پاید برداشته شده و لشکر و کتک چنانی ندارد هر دو باید برای ملکیت کار کنند هر دو باید صمیمانه دست به دست هم دهند و با توافق نظر کامل و ظایف خود را طوری باهم منطبق کنند که هر مشکلی باسانی حل شود نه اینکه مانه چند ماه پیش هر آسانی را مشکل سازند

وظایف مامورین وزارتخانه خود را در این مناطق گریستان خدمت میکنند صمیمانه با آنها خاطرنشان سازید از آنها کار بخواهید از آنها نتیجه عمل بخواهید - نماندگان وزارت کشور که در نقاط مختلفه ملکیت هستند وظایف بزرگی برعهده دارند که اگر انجام دهند قطعاً در سرنوشت متلفی که تحت سرپرستی آنهاست مؤثر بوده و بویبیر نخواهد رفت و اگر فقط بخواهند اوقات بگذرانند و کارها را بجزایر طبیعی و تضارعت بپسارند - آن ناحیه دیسار تحولاتی خواهد شد که سستی آن مامور را بیکانه عامل بدبختی آن نماید ساخت

مردم احتیاج بر اهتانی دارند در بعضی اوقات باید تشویق شوند این رضائلی ها و این تقویتات باید بوسیله ماموران شود اجرا شود که در همچا از فشرترین ماموران هستند بنا بآن تسویب نامی هم که بر او امانت سلطنت شده قبیله گشت ست ریاست بختی پرستی را بر سر ادارات و دوایر دولت - اگر چنین سستی یا آنها داده شده برای وزن فرسوده بویبرای اینهم لیوده که مامورین وزارت کشور بانکه آن فقط با دوا - آستین میکنند بلکه برای این بوده که بتوانند روسای ادارات دیگر را جمع کنند و در کارها مدورن نمایند و تحت سرپرستی آنان آن سیمبست برستی و کارهای ادارات و دوایر دولت - پایه دوحده ۸

بلم آتلی میروس انور
از سفندج

نوبد آزادی

بشای کسانیکه در مصیبت بیچارگی متولد شده و در مهذلت و بدبختی نشود ناکرده‌اید نوبد یاد که فرشته آزادی از روی خویش نقاب برداشته و بر روی‌اش تپسیمین کند.

برای شما که صبری را بفرق ولاسکت گذرانیده اید، برای آتلی‌ایکه از دیر زمانی عنایت ظلم و استبداد بر آنها پیره شده، این مژده‌سرفرخ بخش و نشاط‌انگیز است.

چه دیگر مآردان، جوانان و فرزندان دل‌درد خود را فدای مری و وهوس بیکشت جای و سنگریسی بیبته و برزگران و دهقان‌ایکه هزاران زحمت و رابایم کسب

میشد هموار نموده دست‌رنج خود را دست خوش تاراج و چاره‌ل مشاهده نیکیند. دیگر دژخیبان و جلادان نخواهند توانست مدافین مردم زحمتکش را در

آغوش سرد و تاریک زندان پنهان کنند و هر سقوطی را که از آن فریاد مرده داد خانی و غارتگر بیرون می‌آید بپاشانک سست و بی‌ثبات باز نامردم‌ها غلبه و نابود سازند.

دیگر طبل‌های مادی دست‌کاغذی آن قدرت نخواهند داشت که مملکت را بی‌دورا چون گرسنه‌ای قصابی نمایند و بنام قانون مرتکب هر گوه فجایع و جنایات شوند.

کردهای مسلح عراقی

در خاک ایراه

برقاری غیری که در جرایم شمس گردهمه دو هزار نفر از ایام ملاصقلی بازاری از اچندی پیش بکاخ ایران وارد و در فرقه چپالو - لوسلو - سلدوز لاهیجان - اشوبه - نده و اطراف مهاباد دو بین‌کراد ایرانی سکوت داده شده‌اند افراد مزبور چون قائده مایستاج زندگی و بلاوه عوام مسلح هستند کراد ایرانی را از هنگام ورود مجبوره بر داخله‌امانه و خوار باز نموده‌اند و بر اثر اینکه می‌گویند این نوامی دچار نا امنی و مردم نگران می‌باشند.

پس شای شده‌بکلن و شای ارجنج کشیدگان ظلم و استبداد پاینده دست‌بسته موده‌اند، ازوادی خودگی و غفلت بیرون آمده مبارزه اساسی را بر علیه خائنین و خیانت کاران آغاز کنیم - در این موقع که غوغی حعل و دادا پس این سمات جلوه گراست و در کالیده روان تازه پوشیده بایلیه با نیروی اتحاد افغان نیکت‌ظلمی که هدف اصلی آنراز کون‌ساختن کخ‌ظلم و بیادگیری است بیاکیم -

مییمن‌فرشان و بیادگران را بنابود سازیم و آزادی و عدل و داد و آبروی خود و نسل‌های آینه‌بدست آوریم.

الفبای آسان

گروه طرز آواران الفبای آسان را مقید این است که با الفبای آسان هر بی سواد ممکن است در یک هفت‌ساعه یا سواد گردد و اگر هر کسی یاد گرفت پسه نفر بی‌سواد دیگر یاد بدهد پس از سه سال یک بی سواد در ایران دیده نخواهد شد.

دواین پایه هر کسی طلاف توضیحات بیشتر است با آتلی ابو القاسم آزاد مرافی در تهران بالای خیابان سی‌متری مکانیک نباید.

الفبای آسان

a	z	ژ	س
ā	i	ای	ش
b	k	ک	ط
c	l	ل	ا
ç	m	م	و
q	n	ن	خ
d	o	یش	ی
e	ö	پ	ظ
f	p	پ	واو
g	q	ق - غ	جوبول
h	r	ر	و

مزه باع ساکن ۸
ماقل متحرک 6
صائب ساکن 6

(۱) علامت حلق برای حفظ و نیابند اصل مانند کین جهان ineshān ک' یا ' aztoz k' اینک چند جمله با الفبای آسان ذیلا چاپ میشود : دوستی ما دردم دانا نکوست دشمن دانا به از نازان دوست danâ dardome danâ nekust دوست ما با الفبای آسان ذیلا چاپ میشود : belî az nâdân dust

حلق و دهه بسیار بد است.

kolfo vaeda besyar bad ast

« یادآوری »

بعشی از مشترکین محترم ارسال وجه اشتراک را فراموش فرموده‌اند لذلآ بدینوسیله یادآوری میشود در صورتیکه به بنای این روزنامه علاقه‌مند هستند در ارسال وجه اشتراک تسریع فرمایند.

کوهستان

از مشترکین محترم تقاضا میشود در ارسال وجوه اشتراک تسریع فرمایند

وقایع آزارات

۴۰۰

مهاجرین کلی ذیلانیا هم به آزارات اعرام شده بود و بعضی باین ترتیب همدل‌بندی به آزارات رهنه در امر ماشا اشتکالات فرادانی بوجود آمده بود آزارات از همروست محنت‌ناسرده شد پندار گرفته بود. هواپیمای فرک می‌رپتا سوزان هواپیما مسلح شده بر پرادها و میان آزاراتی ها می ریخته.

این هوا پیمها که همیشه در آسان آزارات در پرواز بودند گاهی هدف کوله فرار گرفته بزود که خود برمی‌کنند. یکی از این هواپیمای هاتیلی بنه پرواز کرده بود و از میدان تیرس آزاراتی خود را خارج ساخته بود خود را به ارتفاع مرتفع‌ترین تنه آگری رسانید - این دیگر برای آگری قابل‌تسل بود، بمقتضی برمیخورد.

ذریا آگری تا بحال سرش را از چشم بشر پنهان نگاه داشته بود امروز آگری نیترواست اجازه دهنده که دشمنان فرزندانش تا این حد مجسور بوده بانه پروازی کنند میبایست این دشمن مجسور تپیه خود، یک سبیلی تنبداد آگری هواپیماسا چنان سرگوشن نمود که به ناسی آزارات ترتیب شده غلباتش شروع و بدین‌وجه و بدین وسیله آن بیچاره بگیرد رسیده و توانست آنچه را دیده‌است بدین‌گنار کند.

وقت بر گشتن پتخلق رسیده، جادر های آزاراتیها بطرف پایین کشیده شده بود ؛ نادریک پسر دلادر و فلاناکار حسین پاشا مامور تهیه آذوقه شو

باینجه سوار آزارات حرکت کرد.

اینجا باید گفت که سپران حسین پاشا برخلاف پدر درواه آزادی و خدمت بملت خود جانشانیا کرده دوشش اتران مصوبیت و اخترا زیاد داشته و بنا باید توضیح داد که کشته شدن حسین پاشا با تمام فجایع ت کارکشنی هائیکه نسبت بملت خود نموده بود تمام‌میلون و متلف ساخته بود، بطوریکه ناقص «مدعی» که از امرای موش بود در زمره مجرمین خیاستکاران ملی قلداد شده است.

فرماندهی ماکو امشاد و اطینیا را که آزاراتیها بدولت شاهنشاهی ایران داشتند بر علیه آزاراتیها مورد آزارش قرار دادند بدین ترتیب که نایب اول آغلاووف و ابرسرحد آزارات فرستاده فرمانده کرد و اطلاع داد که آزاراتیها میتوانه کالروا سی ترتیب داده بدهات ماکو بفرستند و آنچه را آذوقه مورد نیاز دارن خریداری کرده با آزارات بیرند آکر وانما این پیشنهاد حقیقت داشت کمک برگی با آزاراتیها بود و در آن ایام تک بر مجاهدین کرد ادرش فوق العاده ای داشت ولی متأسفانه اینهم یک تریک برای فلج کردن حرکت و تقلیل قوای تدافعی آزاراتیها بود.

آزاراتیها بوسی که در مقامات پیش اشاره شده است خودشان را ازواد خالی ایرانی دانسته انتظار هیچ اقدامی را بر علیه خود از دولت ایران نداشتند بنا بر این از این مساعدت فرماندهی ماکو خوشحال شده و یا شکرانه و امتنان شارق اعلام. کاروان بزرگی تشکیل داده سایر آن روانه نمودند ولی دیگر روئی کاروان را نصیب نماند - زیرا روز دوم سرک کاروان قوای مطیع ترک آخربین و بزرگترین حمله خود را بر آزارات شروع نموده و قسمت خاک ایران هم که در دست آزاراتیها واقع بود برای سر کوی کردها در تحت اختیار ارتش

بنام آقای سلیبان یوسنی لیسانب خون

کرمانشاه متروک

-۸-

قصه شیرین

دورهاله امروز بشرخ توابع کرمانشاه برداشته و از قصر شیرین که یکی از اطلال مهم مرزی غربی ایران است شروع مینماید. جمله استوفی صاحب ژورنال الملوب چنین میگوید:

«قصر شیرین از اطلال سیم است خسرو پرویز ساخت جهت هواپیما اش شیرین آن قلعه بزرگ بوده است از سنگ لاشه کج کج برپا شده و هزار کام است و در غربی آن قلعه خسرو پرویز باجگاهی ساخته بود و روابط سخت عالی جهت آینه و رولنه و از آن روابط اندکی مسموم است آلوان آب آنجا بسیار میگذرد و هوای عظیم بد دارد و هیچکام گرما اکثر اوقات آنجا یاد مسموم آید.

جویی که گویند شردرو میفرستاده باجگاه ساخته اند که برپایه است تا آب روان برپا بجاگاه باشد و بسکن که شریک شیر در آن آنکه باشد تا با بجاگاه و قلعه برده اما آنجا که نم جوی است زیرا که زهر گاه است چرا که آینه است

راجع جوی قصر شیرین در چند سال قبل اقدامات معددی از طرف حده ای از مسئولین محلی عمل آمد. جوی بزرگی احداث شد که از رودخانه الهوند (سلوان) منشعب میشد و پس از طی دورقصر سفانت قصر شیرین و اطراف آن را مشروب میساخت این قدم بوسیله اقدامات و جدیت آقای آتاری (پاک نشان) امین دارائی و نت که علاوه خاص نشان میداد پیشرفت بکوی حاصل کرد و دولت اقتدارت کافی باینکار انضمامی داد جوی انانام تشکیل و مرت کشت و مورد استفاده شایان تر از گرفت و لی متاسفانه بقراری که شنیده میشود برای عدم توجه و مراقبت فلا خراب می باشد.

دو کتب «ایران در زمان ساسانیان» تألیف پروفسور آرتور کریستن سن که بوسیله دانشنه گرامی آقای رشیدبایسی ترجمه شده است و بیست شیرینی راجع بشیرین که قصر باقی منسوب است ذکر شده که مقدمه از اطلال شناخته گان محترم خواهد گذشت:

«محبوبه خسرو، شیرین نام داشت که بنام تاملی «یوستان حسن و رشک ماه نام بود.»

چون شیرین میسوی بود بعضی از مورخان غربی و شرقی او را از روم دانسته اند اما اسم او ایرانیست بنا بر قول سیتوسی از مردم خوزستان بود. در

اوایل سلطنت خسرو بنفد او درآمد و با اینکه مترقی ترتر از میرمن دختر قیصر داشت که بادشاه او را بنام سیاسی گرفته بود از حیث منزلت در وجود خسرو نفوذی تمام داشت مطابق افسانه بهرام چوبین خسرو پرویز خواهر بهرام را که کردیک نام داشت و زنی مردانه بود بنفد خود در آورد و این پس از آن بود که کردیک و هشتم را هلاک کرد اگر تفصیل این قضیه را تا اوتامین باور کنیم ظاهرا مزاجت خسرو و کردیک را باید مبتنی بر خنای تاریخی بدانیم شیرین خسرو را خبر داد که از کید این زبان در میان بر حذر باشد.

از زمان خسرو قید افسانه های در باب ماسفه بسیار با شیرین نوشته اند و ظاهرا قبل از سقوط دولت ساسانی هم یک یا چند مردمان عامیانه راجع باین مطلب وجود داشته است و باره های آن رمان را در بعضی از متون عربی و فارسی خردای نامک وارد کرده اند.

تاملی و فردوسی شرح تدابیر شیرین را که در جلیب ماسفه یونانی خود بخاکرمی رساله و تفصیل عروسی او را با خسرو نقل کرده اند و تدبیر ماهرانه پادشاه را که در اسطیق بزکان بخرج داد تا توانست دختری از طبقه فرتر را بنفد خود در آورد ذکر نموده اند.

بسی قصه ماسفه فرهاد و شیرین را آورده است و چنین میگوید: «فرهاد برینفد این زن شد و خسرو او را بکنند کوه بیستون گماشت. فرهاد در آن کوه برینبن سنگ مشغول شد و هر باره که از کوه میبرید چنان عظیم بود که امروز حده مرد آن را نتواند برداشت.»

قصه فرهاد و شیرین و خسرو و شیرین موضوع بسی از منظومات عشقی و حماسی ایرانیان شده است: فردوسی همه کشته شدن مارا (میرم) را بدست شیرین چنین بنظم آورده است. ز مریم همی بود بدست شیرین بدو همیشه زرشکشن دروخسار خورد بلرجم شیرین ووا زهر داد هندان دختر خوب قیصر زیاد از آنکار آگه بود هیچکس که او داشت آنرا ز تهاویس جو رای بر آمد که مریم ببرد

بشنان دزین بشیرین میرد پتای قصر شیرین برپایه های عشق و محبت استوار گذشت. قصر شیرین ساخته

از علاقمندان همانا میشود اطلاعات خود را راجع به جوی قصر شیرین و وضعیت فعلی آن و اقداماتی که اخیراً شده برای مابونیست

«اثر محوی»

بیرسه حال احمالی و فاسب

بقرسه توله حق جور و جنابس

به کامی قیرو بیگانه برا له

بری بیوت له یار و آشنا بس

الهی بی بلا بی نخلی بسات

بری بومن بلا بو هر بلا بس

نزیکه مردت ای پیره زاهد

ودره با توبه که بن آیتربایس

خدایم دوری عشقم لی نکاکم

هتامس له بی بائی هر دوا بس

له سهرتی پر زووه جویوانی جرکم

به سهر ما بنیه ای دل ماجرا بس

که من دل پر کدرم ولیله عیشم

له کن من بس بکن باسی صفا بس

که نادا «محویا» دادی به حالت

بسی بی داد و آه و ناله سابس

این غزل را آقای حق. از یوکان ارسال داشته اند.

شد تاشاه بادبیر طراز خود در آن ابایی را بخوشی بگذراند و سختبها و ناگواربایی روزگار را در دقایق خوشی فراموش کنده با مشوقه خود بهترین اوقات را سپرد.

در آن ایام تصور تیرفت که روزی این کانون نیکبختی و سعادت بیبوهی ای محنت زامیدل خود دان مکانی که روزی آرامگاه یکی از اشعاعن منتقد بوده امروز فراموش خانه ای پیش نیاشد

قصر شیرین برای آن بنا نشده بود که امروز ماندنی جایگاه فقر و مسکنت بوده و مردمیانی که زهر حیت در شکنجه و عذابت ساکنین آن را تشکیل دهنده.

قصر شیرین که یکی از نقاط مهم مرزی است و از لحاظ سیاسی هم اهمیت بسزایی دارد طبق تصویبنامه هیئت وزیران به شهرستان میل شده حدودی از اشغال بگردستان از جنوب بمرستان از شرق بکرکله و از مغرب بمران میاشد.

آب وهوی آن در تابستان گرم و شیشب بطرف جلگه بین انهرین و محمولات آن کدم - نغیلان - مرکبات و انواع میوهها میاشد.

قصر هیرین در زمان باستانی مسکن زمستانی سلاطین ایران بوده و بطوریکه آثار خرابه های متعدد آن هنوز باقیست.

قصر شیرین حالیه در محل شهر قدیمیتری بنا شده که از اولین شهر سرحدی بشار میرفته و خرابه های تاریخی آن اغلب چاپ نظر مسافران را بدهد و بنا بش شیرین نسبت میدهند که شامل باغ و وسیع باغی قصر بوده و اردوگاهی بزرگ در مرکز شهر فعلی بنا شده که حصار محکمی داشته.

قصر سلطنتی در وسط باغ وسیعی قرار داشته که جز دیوار اثری از آن باقی نیست در دروی دیوار شهری برای انتقال ساخته شده است.

در آن دیام قصر شیرین بشکل چهارضلعی بوده و استخر بزرگی داشته و در طرف جنوب قلعه دیگری موسوم بجهار در (باصطلاح عرف محل آن را چهار قلعه میگویند) وجود داشته است.

مجموعه این ابنیه اهمیت شایان توجه آن را معرفی کرده و از آنجاییکه این بناها از کج و سنگبهای کوچک ساخته شده معلومی خود در ساختمان آن تمییز نموده اند. نزدیک آن قصر قصر دیگری برای محبوه بود خسرو پرویز ساخته شده است.

بنام آقای عباس آزادپور
از سندنج

از طهران

قانون چگونگی اجرا میشود

از طبع آقای طاهر هاشمی

رفیقان شیخشیدای نزاری چاری دیده کالکیم

خسینه باری رنج و معننی زیبا نهالیکم
که زلفای له سررو لانه دانستی پر اغبیازی
نه لی بر بائه کا گیگه مانگی رفنجی سالیکم
بلین بامدعی خوی هانه کیشی دی، سرمن دا
بصد خرمن کلی نامد لقیکی در کودالیکم
سودای خاطر و فرمیسکی خرین تامدعمن هرم
بیاد لیوی آلی لدستی پیروزه خالیکم
مجاله وصلی دلبر پوچه فکری ماچی روی بوچی؟

که او سلطانی حسنه ومن گدای ویرا فاعلیکم
رقیب لاساره دنکی قرخه قرخ و ارخه لرخی دی
نه بی لور قرخه شی ترسم بیی؟ ایمانلیکم؟
چه حج دلوری سکان کوی عالمه پر کرده ومن وا

له شوقی رومنی بدری بمانندی هلالیکم
به خنجر لت لثم کنن دامنی دلبر له دس نامد
رقیب دیستی بیترسینی بگره و قرم و قالیکم
اسوری بندی عشقم شیفته دی ور دی دلم «طاهر»
غزل بیزم حزینم ویل و دیری جاو غزالیکم

فوقاً نه ای از احوال قانونی را ذکر نمود اینک اصول
و مواد آن

اصل مهم قانون اساسی افراد مردم از حیث جان و مال و
شرف معصوم از هر نوع تعرض بوده منصرف اسدی نمیتواند مگر
بمحکم و ترتیبی که قوانین ملکتمین مینماید.
اصل سیزدهم - شاه و سکره منکر هر کس در حفظ امان است
در هیچ سکتی قهرمان نمیتوان داخلشده مگر بمحکم و ترتیبی که قانون
مقرر نموده.
ماده ۱۹ - اصول معاکات جزائی - تقصیر در منازل و رمواوردی
بعل میا بدو حسب دلائل کافی پوزان تصور نمود که مرتکب
با اسباب و آلات جرم باشد یا اجازه صاحبخانه.
ماده ۲۰ - تقصیر در حضور صاحبخانه و شیوه تحقیق بعل
میآید در صورتیکه صاحبخانه نمای باشد در حضور عیال یا بزرگان
شاه بعل میآید.

ماده ۲۱ - اشخاصی که در امور جزائی شرکت دارند
میتوانند در موقع تعقیب جنسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص
نیتوانند داخل شوند مگر با اجازه صاحبخانه.
اگر آنچه در اول ذکر شد با این اصول و مواد مقایسه
کنیم منقش اجرای قانون و چگونگی مجریان آن آشکار
خواهد گشت.

دوادارده

در اینجا شه ای از سرگذشت توفیق
غیر قانونی خود را مینگارم تا خواننده گان
مختم مستفهم شوند قانون نواسی قدری
دور دست انگیزد و چون که اجرا میشود.
پس از اتمام حاشیاتی از فرمانده از نظامی در
هنگام خروج از ستاد لشکر توسط رئیس دژبان
در ساعت ۱۸ روز ۲۴/۱۳۱۳ بدون توجه
بماده ۱۲۱ اصول معاکات جزائی و ۱۹۲
قانون مجازات عمومی توفیق شدم. عده
زیادی مناسف نظام را مشاهده کردم و
در ساعت ۲۱ یوسله ۳ سرزاولیکه اسر
و یک گروهیان مسلح در حالیکه بزرگه فک
بوده ذخیره گذار می کرده بودند بعل
دست باز یک هدایتی نمودند. منظره
اردوگاه و معاملات با توفیق دشمنان آنجا
را که اغلب در یک گردان و جلو آفتاب
تابستان زهر میکشند در نظر مجسم گردید
ولی در اینجا خوشبختانه مرا بپهریانی
انزمام میباشند قبل از خروج آفتاب یک
سوهان بود و پنج نفر سرزاولیکه و یک
گروهیان کوچک و مزارم فرق و بدون
کسب اجازه وارد خانه آمدند. بودند.
پلانامه پشت بام - حیطه دیوار خانه های
مجاور در پل منزل و مسدود ایران توسط
منسطفین اشغال گردیده بود که بدون
هیچ تفریق در تمامه ۱۳۳ - قانون
مجازات خواهد بود. غروب تازه سروران
امین بور با پرسی نسبت سرورن ناجیانی
عفی و مسدودان ۱ حقیقی کلتر حمل و دو
نفر پلیس مسلح برای تعقیب شاه وارد
شده بودند.

«بره کشان بود.» از دامستان
نماینده خوستا پیوسته چون مجوزی براین
هل بود نمایند و اسرا و مدلیه از آسمن
خودداری کرده بودند (آگاهی ماورینی
وطیعه ششام به پات میشود.)
در اینجا لازم است توجه اداره کل
شهریاتی و شهرداری ستاد جنج را به خط
کلاتر حمل جلب نمایم که چرا پس از
مشاهده اشغال منزل اینجناب از طرف
سربران بدون توفیق کننی از فرماندهان
نظامی و کسب تکلیف از اداره مربوطه
میادرت بر شکت در این علییات نوده و
چرا مواد قانون و وظایف مربوطه را در
ظننظر گرفته و پس از تعقیب میدادمان
شک تا ساعت ۳ صبح در اشغال منزل شرکت
داشته بود. با مخصصر توفیق ایشان هم
مشورل ماده ۱۳۳ قانون مجازات عمومی
خواهد شد.

آقایان لون اللکر بدون نظر
گرتن ماده ۹۷ اصول معاکات جزائی
در عیال اینجناب و شیوه تحقیق پس از
جستجو و کارشاهی زیاد و اقرا لبله
اوران از طرف تمام آنها بدون اغش

گرتن کشته توجیه نتیجه خارج میشود. یکی از
انسان گفته بود عجب روی سیاه خارج
شدیم !! ما چرا برض سرهنه آیم
میرسد مشاوره ای از اینکدم ترس بدست
بیامده صفت صعبالی و نگران میگرد
دستور میدهد همان عده هم در بر گردند
و شدیدا کلاش کنند و مرابیت های لازم
روا معمول دارند. جمله میداد آغار میگرد
و تا ساعت ۳ صبح این عمل قانونی ادامه
بده میماند. آسایش از اسکاگان شاه و افراد
فایلین سلب و وحشت و هراس عجیبی در
آنها حکم فرما میگرد. آنچه مسدود
شده و غیر متینی، اوران های روزنامه
کنند. و حتی دفترچه مالکیت پیدا میکنند
بستاد لشکر منتقل مینمایند.

اگر این اسرار را باورده، نونی که
تا بحال وضع شده بنسجم خواهیم فیهید
تاچه اندازه، تاثیرت دارد و بدون شک غیر
از بالا پرس هسکی مشورل ماده ۱۳۸
قانون مجازات مینماید.
هنگام توفیق در شهری پس از
نیست باکت لاک و سپهر شده ای که
اسر توفیق بود از طرف همان اردو به پای
باکت دینبری توفیق شد این میارده هم
بیرون کوچکتین غلظت مانت پاور کوبیان
شهریاتی علی شده. گویا چنگلی کمر قتل
مرا بسته بودند!!
پاسی از شب نگلخته بود کلاتر مرکز
که در قیاب رئیس شهریانی (برای ملاقات
فرمانده لشکر باور امان گرفته بود) گفت
داوشت با اینکه سر اجازت فرمانده از نظامی
مشورل کننی داده بود که مراد شهریانی
توفیق نمایتد با بدو ۳ نفر پلیس وضع
مخفی در اثر دستور سر بر اقبال بود
براند نامگیل داشت.
(بیچاره بیخالی توش غم منی افتاده بود
آهم دراین اسد شب)
اما باید گفت در تمامه دنیا بین توفیقی
و معیوس فرقی هست و دراین مورد هم
توفیق ملکتنی نیز تفاوتها قابل گردیده
ولی کیست که دراین شب تاریک چراغ در
خست گرتنه قانون را بخواند. آهم در
گوشه ای از ملکتن که غیر از قانون همه
سخت حکم فرمات. از دقت شیوه امر جس
من مشورل ماده ۱۳۲ قانون مجازات
صومنی میباشد.

دراین دوامل از قانون اساسی و ۳
ماده از اصول معاکات جزائی را نقل مینمایم
تا خواننده گان بیشتر متوجه شوند که احوال
ماورین در مرکز این منطقه سرمدی
قدرت قانونی و جمیع اوست و بداند
چگونه توفیق که بدست نمایندگان این
مردم بیچاره توجیه شده در باره آنها اقرا
میشود.

بشم آفای محمد مردوخ (آیت الله کردستان)

گرد و گردستان

-۲۳-

سنة اردلان

حکومت محمد خان گرجی
 پس از عزل محمدخان اردلان در تیرماه
 الاول سنه (۱۱۱۳) محمد خان گرجی مأمور
 کردستان شده بر سنده حکمرانی جلوس
 میساییدان محمدخان پس از ورود بکردستان
 خودرا اهل سنن و پیرو امام شافعی معرفی
 نموده و در و فرایش پنجگانه با اهل مکه
 بیجاقت - نماز خوانده و در توسمه شهرسنة
 دژا دانات مجدانه نموده مساجد مدارس
 متعدد بنا کرده و در جنب بازار هم در
 زمینی که ملک عیوبی ملا عبدالعظیم
 قاضی بوده (اعلیه مرالی کردستان)
 یکباب کاروانسرا مشتمل بر شصت و شش
 حجره تنهایی و فوقانی بنا نموده و پس از
 تمام آن اجنای و بیرون آن را وقف عتیبات
 عالیات نموده و تولیت آن را با قاضی -
 عبدالکریم و اگدار کرده است که هر ساله
 عشر مدخل آن در تمام حق الارض و حق
 التواله برای خوب دریاقت دارد و بنیاده
 حواله عتیبات عالیات بنامید

(حکومت حسینعلی خان)

پژاد حسینی (خان)

پس از فوت حسینی خان در سنه
 (۱۱۱۸) هجری حسینی خان برادرش
 سید محمد مومن خان اعتمادالموله از
 طرف شاهسلطان حسین بابالت کردستان
 بر قرار می شود
 این حکمران از برادرش متعصبتر
 بوده و خصوما واقعه فوت برادرش سکه
 نقل میبالی و غسل معاف بود بیشتر او
 از عصبانی سخته با تاجپوت پهلوی و هر
 پناه اسباب اذیت و آزار اهالی را فراهم
 می آورده است که بالاخره مردم تاج حرکات
 و اعمال او را پذیرفته و در سنه (۱۱۱۹)
 برای شوریدگان و اعیان ولایت رهسار
 دربار اصفهان می شوند و او را مزول
 می سازند و کجیرو بیگ پساؤل بجای او
 حکمران می شود
 مدت حکومت حسینی خان یکسال
 و چهارماه بوده است

(حکومت حسن علی خان)

پس از عزل محمد خان گرجی در
 سنه (۱۱۱۶) بپوچ فرمان شاه سلطان
 حسین حسینی خان بر سنده مومن خان
 اعتماد الموله بکنکومت کردستان مأمور
 شده است

این حکمران یکسوی محمد خان
 حکمران سابق در مذهب تشیع متخصه
 و در ترویج آن شروع بپیروی چند و بدل
 مسای نموده بپروچه که از حد افراط هم
 گذشته بنای اعمال غرض با اهالی بی
 گذارد صب و فرض را جزو زیست محض
 خود قرار داده و جان و مال اهل سنن را
 غلامان میبشارد و از فرار متولذ روزی
 بزم شکار از قلمه حکومتی بیرون آمده
 سوار میشود و از جنب بارگه (بزر عمر)
 که در جلوادالدیانه واقع است میگذرد
 از ملتزمین رکاب میبرد که این بقعه مال
 کبست یکی از ملتزمین میگوید بقعه
 هر است

آن شخص وحشی از شدت متعصب
 بعضی شنیدن کلمه (عمر) غضبناک شده ام
 میدهد که تاجراجت او آن بقعه و بارگاه
 را با خاک یکسان کند - حسب الامر تا
 مراجعت او آن بقعه و بارگاه را یکبارند
 بر جای می آید

۱. لبه ره و دیم ، آرام و . به پشنا آرام کورک

آم خوا

۲. پشی لغینه لهالو ، مشکان ترخی نی نی بنانه .
۳. که بنی آدم هسی نه روا به موسای ایژی آغدانلی
۴. له ترسی هاریال آدم به آکره و .
۵. به صد سوزن گاروسنی کی تیاواوی .
۶. بنی آدم تا بدنه ییشتی بد خانه ناکابه زیاد .
۷. هریشکی برسی خه به خرهانی اوو بر دوواونی .
۸. پشی لهدمی ناکابه دوزک ایژی سوله .

این ضرب المثلها از زبان ضرب المثل های ارسالی آفای ع. ش.
 کردیرو از سرق انتخاب شده است .

خواهه بود اگر رعایا بیستند که پادشاه رعایت مذهب و عت را نه دارد
 ناچار آوار و بخت خاری می شوند . در سایه دولتی زندگانی خواهند
 کرد که مذهب و ناموس و جان و مالشان از آتش تئصب مسون باشد
 و درمان نیز بانه سلطان حسین سبب از فرات مرخه اهالی صلاح
 چنان میباید که حکومت کردستان را به خود گردستانها (یعنی
 خانواده اردلان) واگذار نماید . لذا بنویسید اهالی حکومت کردستان
 را با حسینی خان که از اقبال خان احمد خان سپر هلوخان بود موفوف
 معذور و خلعت فرمان حکومت را برای او روانه میسازد و مشارالیه
 یکسر تیراز خاک مذلت بنده شهر بر سنده حکومت میباشند مدت حکومت
 کجیرو بیگ پساؤل یکسال نامی بوده است .

(حکومت عباسقلی خان اردلان)

پس از بیرون کردن کجیرو بیگ پساؤل بر حسب تقاضا و
 پیشنهاد ادب دایم لشور و (۱۱۲۱) هجری عباسقلی خان اردلان
 خلف محمدخان بیرو خان احمد خان سپر هلوخان و از بیغوله نفر
 و مسکت بیرون آمده مستقیا بر سنده عزت و حکومت جلوس
 میباید .

اهالی با کمال میل و شغف کمر اطاعت او را بر میان بسته
 اعز و اشرف هم مانتد شورو پروانه شبوروز و مطبوس و محض
 او پانهایت ادب دایم لشور و اولامیهم قلب گوش و چشم بر فرمان
 او میبندند و نیز با کمال قدرت و اختیار و احترام بر اسم حکمرانی ملکنت
 داری میبازراند .

در سنه (۱۱۲۸) هجری امره یونانی میرسد که عباسقلی خان
 با جمیعت کردستان برای دعوت قنقره میبویس اتقان و همرا هانش بیباب
 قنقار و هرات حرکت نماید .

جباب قلی خان با هشت هزار سوار زبده و آراسته و رهسار
 مقصد میبشود بپهران که میرسد طی لیلی یک اردلان سپر جهانگیر
 سلطان (تیره کلبلی خان) که جزو سوار ها بود معرمانه و رسوا کرده
 میرساند که چک در هرات و قنقار برای اهالی کردستان چرکنده
 شدن و از کرسنگی مردن نتیجه دیگری نخواهد داشت . بهتر ایست
 که همه بر گردیم . این دسیسه در قلب میسایان موثر آمده شبانه
 همه با اعلان فراری میکنند تنها خود عباسقلی خان بادوسه نفر اجزاء
 شخص در پهران باقی میمانند . ناچار از هما بجاهر قضیه را برای
 سلطان حسین عریضه میدارد .

شاه سلطان حسین از بیبره گمی میبغلی خان عصمانی شده
 فورا امر بجسب میبغلی خان صادر و خلعت و فرمان حکومت -
 کردستان را با نضمام لقب (خان) توسط طیبخان فرانس خلوت برای
 علیقلی بیگ مذکور روانه میازاردمت حکومت عباسقلی خان هشت
 سال بوده است -

(ضابطی کجیرو بیگ پساؤل)

پس از عزل حسینی خان در سنه
 (۱۱۲۰) هجری کجیرو بیگ پساؤل
 شاهسلطان حسین بر سنده حکمرانی می نشیند
 این حکمران پس از ورود بکردستان
 اهالی از وضع حرکت و معاملات بی
 اطلاعاته او که با مقام حکومت و روح
 اسالت تناسب نداشته ملتفت میبشود که
 بعضی فرمایه و تاجیبی بوده و دستپی
 درجه تیرات او پساؤل در بازورد است
 بنابر این دیگر مردم چندان با او آمیزش
 نمیکنند و سایر سرود نی آورده . هر
 امری هم که میکند عتیف و لاجبری می -
 کنند . و بالاخره میانه او با اهالی بهم
 خورده اهالی بر او میبشورند و او را
 بیرون می کنند و عریضه بنام می نویسند
 که کردستان سنی خا است . و تغییر مذهب
 برای اهالی ممکن نیست . بنابر این فرستادن
 چارج مذقب خصوصا که اهل خش و تمصب
 بیلاوه فرمایه و تاجیب هم باشد .
 بنالقیبه مایه دزدس برای دولت و ملت

بنام آقای محمد امین هوشنده
خبرنگار نام کوهستان
از سفر

وظیفه سنگین

قلم بیسکته، دل بیسکته جامه‌باده بیسکته
خدا را در سرای ماچه بیسکنی بشکن است امشب
مظالم و مسامدین اجتناع آشفتنکی
وی نظمی ده گامهای حساس کشور کردار
و رویه های مفیده انگیز - بی برواوی و
لاابالیگری بر شی از افراد طبقه حاکمه
کشور رفتار دیکتاتور مآب دهائی از
مصدیان امور و سایر درد های بد مان
اجتماعی چنان دست بدست هم داده اند
که فیزی نی باید که این کشتی فرسوده
بگناه نداشتن یک ناخدای خدا شناس از
طوفان حوادث شکسته در منجیل بدبختی
ناپود خواهد شد!

آبناهیگه برای ترمیم این غریبها
برای اصلاح امور کشور و تشکیلاتی تویت
بی ایران بیرومغور و مختار قدر داری
کند گشته در اقلیت هستند و چه بسا همین
علم مفید در معرض خطر هم واقع میگردد
خطر یکبارگی ننگل های اجتناع و سببین سه
روزی کشور برای اصلاح صالح پیش -
میاورند . هر مدای اضرار و مساعدی که
از صلح و منافع ایران پرستی بلند شود
چنان گلوش را زیر فشار بنیچه های مستبد
و خوشبیز خود قرار میدهند که آن صدا در
در میخه خفه شود

طبقه منور و روشنگر کشور که گنا
از شهریور ۲۲۰ پید هواره دومارزه
با تاسر خانی آتشخورگ بوده اند با
فخته های مخالف هان بی مایه با قلب
سناستان جریحه دار شده و دلشکستی
فراوانی از اوضاع دارند . حکومت های
هم که در این دوره دمکراسی بر سر کار
آمده اند در طرد و اذیت خادمین مطبوعات
و آژادبخواهان سنی نآبناهیگه منور
بوده فر دثار نگردانند و شاید بقای
دولت خود را خد غدر کورن احساسات عمومی
شکستن قلبهای حق نویسن ، یسن زبانهائی
حقیقت گو و تعظیل و توفیق روزنامه های
محبوب التلوب ملت داشته اند

موفقیکه شیرازه ملکیت سپروس
در یابان سلطنت ناجا و به ازمگ کسبفته شد
مصدیان امور آتوقت چاره منصرف برسد
خود و ملکیت را طرد و توفیق وزیر
آژادبخواهان و خادمین مطبوعات دانسته
و برای پیش برش مقاصد خود انواع فتنه
های مخوف و ابتکار بروردند

در دوره بیست ساله هم از طبقه
روشنگر حق ق گوی ملب و انواع
توفیق و زجر دربار آتان مدول شد
عشق «قرن بیستم» با تیر آژای در آمد
مدرس شنایند و اونی ملت فدای هوسرانی
شد چندین از مدیران جریایته تمسید و
توفیق شدند

فرشی بزدی شاعر آزادبخواه که
فریاد میرد
باید از اول بشوید دست از حق حیات
در محیط مردگان هر کسی اقامت میکند
در بدو و تبسده و بالاخره برای ایبه
دهانش درشته شد . آن دنگری که
انتقاد کرده بود ضربت های چندصفا را
نوشید .

در این دوره دمکراسی هم مدیر
روزنامه ای از اسر عالی تدری کنگ خورد
دستی که میبایست بر قرن خالتین و جاسوسان
و دست نشاندگان اجنبی فرود آید
متاسفانه بر فرق باخادم مطبوعات فرود
آمد .

روزنامه ها توفیق شدند مدیران
بخشی جریایته بازداشت گسردیدند . در
نقاط دو دست ملکیت حق نایندگان
جریایته هم در امان نمانند مثلا نماینده
نام کوهستان در ستندج بچرم توزیع ک
روزنامه کثیرالانتشار مرکز ، در ستندج
بازداشت گردید . تلگرافها و تله گراف و
شکایات بمقامات موثر مرکز سزی سوزی
تجسید و ثابت شد که هنوز هم در میان
طبقه حاکمه ما احساس مطلق انسانسی
پنهانی بر همه حکم روا می میکنند بطوری
که بازه اوایل دولت هم با اجرا میانه
با عملا نمان دادند که این دستکاه ها
و بارگامهای عظیم ارزشی برای افراد
قابل لیستند و باز معلوم شد که افرادی
میتوان بافتکسه مصدیان امور حساس
کشور را اغفال نموده و کار های خود
را در لاف قانون به آن ما قالب می-
نمایند .

اینها امثال اینهاست که مردم بغرض
را از ادامه دفعات ملی و اجتناعسی
در سد می کشد آتپاهائی را که میخوانند حنا
و واقعا بیملکت و مبین نعمت کنند نا امید
میازد و مشاهده اسبن قانون شکنیها و
قدرتیها و این همه توفیق های پستیایی
مطبوعات و جریایته ملی کشور است که
یافت میشود توفیق برای خدمت در اوقات
دیگر نمانده و همین هاست که کشور باستانی
ما را به وادی خاموشان میدل خواهد
ساخت

ولی با تمام این اوضاع استفاک باید
کفت و نوقت ولو اینکه به تسوقیف ،
بازداشت تمسید و دیگر مشقات هم منجر
گردد . باید مطابق راکفت برده را روی
خیانت ها و جنایات برداشت و عملا ثابت
نود :

ما برای یران زنده ایم و
برای بقای مجد و عظمت آن می
کوشیم*

محل اداره: خیابان پهلوی
روبروی کوچه مرصخانه وزیری
تلفن ۸۵۳۹
چابخانه وزارت کشاورزی

قابل توجه وزارت جنگ و ستاد ارتش از سفر

گناه من چیست ؟

تیجه بدعصر دوندگی ، نریکسر مفت
آری بخدا تیجه بدوره کسب من جارت از مبلغ هنگفتی
است که اکنون تمام طب در نزد سر رشته داری ارتش است .

تمام افسرانیکه بنام آتیار دار و رئیس بخش خرید و بیس
دارائی و متصدی اعتبارات و قریه با معاملات بنده تاس پیدا کرده ای
چهلگی به صحت این موضوع مترف و با احکام حسی الاجرا و اسناد
لازم الادائی که بدستم سیرده اند متوالیت دارائی ارتش را در
پرداخت آن حسی و مهرز دانسته اند بنابین وصف چهارم تیجه بظهران
و رقم بنیام مراجع و مقاماتی که رتق ظلم و صدور امر به پرداخت طلبم
بوسیله آنان بسر است مراجعه کردم .

توسل ، تهنیت ، حتی داد و فریاد و بالاخره آنچه که ممکن است
حس ترحو و شفقت مصادر امور را تحریک نماید بکار بروم باز
تیجه نگرفتم
از فرط یاس و نومیدی و تپس و تیجه معظوماته مادرو خواهران
گرسام که همه چشم برام بودند عهد دوام در تهران بسترگو
مشرف بوقت شمع خدا نخواستار بارسکتین زدگی بنایت زودهای از
دوشم برداشته شود کنون سرمایه حیاتیان عابرث از وقت ابروان است
که بنامستد هزینه در دارائی ارتش بایگائی است بشیراین عاجزان
استعا منیایه که بنام وجدان از تلف شدن شش فرمالت بدعت که
سرپرست آنها گشته است با طرف شدن با سر رشته داری و نتانائی غیر از
در بابت مطالبات خود نداردد جلو گیری فرمایند .

کلاهی

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف بندید ریات شماره ۱۳۳ ۱۴/۸/۲۴ آن نام ملی در
مورد دادخواست آقای عبدالله قبادی دستور رسیدگی بهنگامتقل
ژادارمیری سکرماتنه صادر گردید خواهشمند است شاسی را
واضنائی فرمایید که بهنگامت نامه در مراجعه بنایه

فرمانده ژاندارمیری کل کشور - سر تپ خسرو بنانه

آقای حصر وراثت

تاریخ ۱۲/۲/۱۳۲۲ . آقای محمد زاینده رود بنشنامه
شماره ۱۹۳ با ستاد بکبرک کوه ایفانه و رو نوشت شناسانه داد-
خواست شماره ۱۰۰۱۲/۲۴ داده باینکه مرحوم عبید الحسن
زاینده رود دارنده شناسنامه شماره ۱۹۹۱۲ دتاریخ ۱۳۲۴/۵/۱۹
در تهران جایگاه هینسگی خود وقت پایته و متناظر و آقایان مرضی
زاینده رود بنشنامه شماره ۵۹۹۴ و صدر العین زاینده رود ۹
شناسنامه شماره ۵۹۹۴ و حسی العین زاینده رود بنشنامه شماره ۹
سیران و بانوان محترم زاینده رود بنشنامه شماره ۳۳۹۵ و انص
زاینده رود بنشنامه شماره ۵۹۸۵ دختران بانوان مصوم به
شناسنامه شماره ۵۹۹۴ و طاعمره بنشنامه شماره ۱۵۶۸۱ زوج
دانی متوفی و وراثت منحصرا بیانشینس از شینن کوهائی کوهان
مراغه است توبت متوالی ملهی یکبار در روزنامه رسمی کشور
شاهنشاهی سر روزنامه کوهستان آگهی میشود با کدکشت مدت سه ماه
از تاریخ نشر و ترو لاین آگهی و نبودن منصرنی بر حسب تامنا اقدام
خواهد شد و نیز آگهی رسمی و سبت نامه از متوفی دارد در طرف مدت
مزبور ابراز والا «روعیات» از متوفی غیر از رسمی و سرای ابراز شود
از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

رئیس دادگاههای بخش تهران - احمد زرین نعل

نامه ها و تگرافات رسیده

از کرمانشاه

وزارت کشور در نوشتن زندان‌داری کل - در نوشتن روزنامه کیروز نوشتند صدای ایران - در نوشتن نامه کوهستان - سوابق تمیذات و شرارت های اقبال‌زاده در ادارات دولتی متنفذ است شب ۲۴ جمده انزوا صحابه به قره شیروان ابراهیم پاپ اندازی و شرارت بکه کلان اغارت را می خواستند. خان‌ها را متعصب نمود. بزانه نامری و یادگان اطلاع * آقای فرمانده گروهان یکم فرود آمد و رئیس یادگان و فرمانده دست خرما ما را میبیارگان ضعیف و شکنجه و زندان آنها نجات داده و مورد تعظیم و اغلال اینان زاده که عادت دارد مأمورین را تعظیم کند واقع نشدند تا نهایت صداقت و محال ملاحظه کنی و پرورنده تشکیل دادند استعدای افاق حق دارم ما میبیارگان ضعیف پس پول هشمین اقبال زاده نوی و پول دار است متوجه بودن اولیای امور میباشد. شیروان و اهالی و رعایای شیراز هاجرت. اهل اردلان - محمد شریف محمدار لان علی ابراهیمی - عداقت گشتی - خدا مراد رسولی - احمد اردلان - هاجرت - آردلان رحمت اهل اردلان - محمد خان کریمی - اردلان

از سقز

اداره کل جیره بندی - کبیله ریاست مجلس - کبیله کوهستان - کبیله پاشان اهالی شده بدینتر از هر موقع مناسب باقول زحمات و خسارت طاعت خرما صلح است و مبین ترستی را فریضه زندگی خود شمرده بودند به هوشی گری و تشکیل اسباب و دست بندی را بدترین معایب حیاتی دانسته همواره با آشوب با از کلیه متراد کشور متوجه استنباط نموده

تنگراف کردن

تنگرافی افاضی آفتابیان، عزیزالتابکی - عبدالقاسمی خدوردی صالحی - اسماقلی یوسف شاه - الهای بیرونی - احمد مصطفی سلیم رزمانی - حیدر خاموش - مجید بزادی - مهدی مرادی شیخ‌محمد همدان - میرزا خان نیکازی بدی شرخانی - نورزجا نیکزی باداره - روزنامه رسیده و در مقدمه تنگراف در جواب آقای سلیمان یونس تحت عنوان در اطراف سلسله مقالات کرمانشاه منسوخ در شماره ۳۲ روزنامه کوهستان نوشته اند:

«آقای سلیمان یونس اینکه در مقاله خود نوشته اید قاطبه وجه اهالی کرانه شکباتی از جناب آقای عبدالعزیز حیاتی سپاس. السلطان مالک کرده دارند چون هیچ علمای شکبات آنها نوشته کرده ناچار بشما متوسل شد، شوشارا سرپرست و داهرس خود دانسته اند برای استحضار خوانندگان محترم دوپاسخ شما اشعار میدارد: ۱- آقای عبدالعزیز حیاتی کوچکترین تندی و اجابانی در احدی ننموده و در خلاف اصول و معمول مالک رعیتی و قناری نگرفته و قریب هفتصد سال است اهالی کرانه با خانواده معترم ایشان مثل پدر و فرزند بوده و هستند.

۲- اگر کسی شکباتی از ایشان و یا از او بزرگتر داشته باشد هیچ اشکالی و مانعی ندارد که دادگستری استان پنجم متوجه را رسیدگی و تنبیه و افاق کند بنیاید بلاوه اگر دستکاه قضائی مقامات دولتی نتوانند جلوی گری از مقام افعاس بنیاید ششاسنی هستند و چه همینکه بتوانند کوچکترین اقدامی بکنند. ۳- احدی از اهالی کرانه چنین نامه بنشاند نوشته و اعلام نمودی تکذیب بوده و سائت و جود شامت و گرنه لائل امضای چند نفر از آن‌ها منجاب نونه مینوشتید و ...

و در آخر تنگراف مطالبی نوشته و در مبارزه شخصی داشت که از چاپ آن سرزنش شد. در اینجا لازم است برای یورش ذهن خواننده کان اظهار شود که حکایت مربوط به قیامت آید افاضه کنندگان ساختگی نوموزیرا یک نسخه از آن که در دهفت مقدمه و نیمه بزرگ میباشد نقل در دفتر روزنامه هم موجود باشد هائی باقیم نام و شماره نشانمانه میباشد کبیله های به قدرت باران مستغنیای نغبت و زیری وزارت دادگستری و غیره داشته است و بطور خلاصه پس از آنکه مقدمه ای راجع به مطالب ذیل،

گرفته . تمهید داشته مانده سالهای پیش آرام آرام قشون ترک را به توسط آزارت کشیده و فرسوده نموده در میان سنگهای بزرگ مخوف و دره های بنیق را کشته و با یورش سازند. خدای از هوای تابش ترک در آسمان آزارات بسرواز سکرده محصولات خود را در کتیر بر سر خیابان و اطراف بیگناگت بیعت این دست مأموریت خود را انجام داده است. بدینگری بیدار میشد و مبارزان شروع میکرد. بر روی مسکک ایستادند. قشون اعراسم جبهه میر کرد میبکوشد بود. حله های شدید یوردر بی پیاده نظام ترک نتوانست تکلیف باین رسمه میدیده متهاجم میوانست صدای تیر برورا در آن نقطه شاموش کرده. روز اول چنگ پایان رسیده. هر طرف متخاصم. حساب خود از وضعیت چنگ را می بودند. روز دوم آزارات با انفاداری فون المادهه سنگهای یادگاری اجدادی خود چسبیده داخل یک تیر خود کشید بودند. در میان موقع از پشت سر، از سرحداربان برخلاف انتظار اوله تیر بار آبی بر سر نقطه پشت سر می ایران، بعد شلیک پیاده و مسلسل هابانند. بر سر آزارات خیالی ناگوار بود که با توفان ایران بر نموی که باشد داخل برد شوند. فرمانده کرد ایوانقه را ناشی از یک سوه تقاضم پنداشته باید اصلاح دستور همه مقامات در جلو قشون ایران داد خود نیز بان دست کرد و تگرولی وقتی بسرحداربان رسید و بیابور تگرودی دید. این تگراد که ایران هم از پشت با آزارات حله خود را آغاز نموده بودند معلوم شد دولت و قناریان با فاضلای دولت جمهوری ترک به مورافت نمود قسمتی از خاک خود را که دوش آزارات و باقی بود برای از بین بردن این کارن ملو کرد کارنن ژادی ایران را در دست اختیار فرمانده عالی ترک فرار داده است.

ترک گذاشته شده بود. معلوم فرمادند ه ما کو بجای اینکه آزاراتی ها را از اوا گذاری اراضی قونال ذکر تر که مطلع سازد آنها را اغفال نموده و ساطع تالیله و صدای ای مردان مسلح را از آزارات خارج و باریان جبهه نموده بود. بلاوه در شون خود کردن ایلات ایران از سرحد آزارات یک قسمت از ابل قزلباش اولی که چند سال قبل ترک کرده وارد و در این جنگ آزادی مأمور حفاظت جبهه شمال شرقی آزارات (سرحد بولانی) شده بود از طرف فرماندهی ایران تاجین داده شده باریان برده شده بود. حکومت ترک با تبلیغات زیاد اختصا به تهدید میخواست مجاهدین آزارات را وارد باطاعت نماید خصوصا میان مجاهدین حیوان فعالیت می نمود. کاهنای هم به بر روی مسکک و فریغ میدانادر نوشت آنان را تا مینمی داد و تکلیف میکرد ملوین جیدران و چالی بدعات املی خود برگردند و باطاعت و آینه فدائیان کرد انگسکس . گرسنگی، بر پنهانی و سخن گفته شدن را دوزیر برچ میملی خود به برگشتن و تحت اطاعت ترک تکرار فراموش کردن ترکچیه میدادند. فقط از آن عداوت حسن آقا با پس خود با یزید برترکی که رنجش و جان بیزاران حیدری را مارا برایشان بسته خواستند آنان را بکشند و لای و ساطعت روسای آزارات باعث نجات آنها شده بدینها شده بود که پس از سقوط آزارات آن نیز مرده بیچاره و ترکها آقدر زد بودند که دوزیر شلاق چنان سیرودند. حله آزارات شروع شد. لنگرهای ترک می آمده آزارات و آزارت سر از سرحد ایران آسوده خاطر بودند. این منطقه را بیطرف میدانستند از ایزرو و جبهه و احشام خود را به نزدیکی سرحد ایران روانه کردند. نه افراد جنگی جلوی حله‌های ترکها را

کوهستان

برای رفع مشکلات

بچه از سینه ۱

را که اصلاح سلطان آرزو نموده اند ایجاد شود و از آن کار و خوشبختی سرچشمه گردد.

این دود در همه کرا-س تمام اینها را بفراموشی سپرده فرمائید از آن خواب برود و سردرد را بجاور نومیی بوشاید شاید خواب و یا جرت زدن فرمانداران شمام قشمرش بر متوجه آنان باشد و شاید وصول حتی باسکی بگراش میسر آن آنها را بسه بخیزد و کشتهن و اداشته و چون باسکی رسیده میخیزد که مقدمه خواب است جای خود را بچرت خواب سپرده باشد. شما باید آنها را از این خشاری و جرت خارج سازید به نوشته های آنها ترتیب اثر ندیون آقدر کوشش کنید که بسه پس از این خواب و استراحت چند ماهه ببری کار وجهیت از نو گرفته شود.

این شرح عبارت شهردار اصلاح شوابین دستکاه شهردارها که بیا پول به حال مردم بقید نفیست افلا تکراری بخورد و غیر از همه

بر حسب افلا اثری هم بقی مردم کشیده شود.

آقای وزیر چرخ شام فلما تا حدی با اوضاع کردستان واقف هستی و از جریان ملک های بیبوده چند ماه اخیر هم استخبار دارین و قطعاً خوب میدانی که بایچه گفتیم. بایان یافت ولی اطمینان دارم دل ریش مردم که از چند خبری از مأمورین برتنتان فرغ نون شده اطلاع کافی نداری شاید شما آن صورت عینی کردستان را ننماید زیرا تفاوت و املاحات شما از روی آینه های است که بر صحنه کاتر آمده و گزارش شده. شاید از اشخاص بی طرف هم اطلاعات دقیق کسب نموده بایمید ولی قطعاً بنا سابقه میدانی که همیشه بر مأموران دست که هم گاه باذت و ضرف بر نموده میباشند و دروغها را راست و راستها را دروغ و باوه میدهند من هزارا باطل و باطلها را لباس حق میبوشانند ولی بالاخره روزی خواهد رسید که این برده ها را عظیم حق کش هم دیگر قادر بکتمان حقیقت باشد.

برای اینکه این اوضاع خراب ادامه نداشته باشد و این بیاسی و ناامیدی را که روز بروز در آذهان مردم قوت میگیرد بتوان ریخته کنی نودلدام است خشنالی آفتای وزیر جنگ

قدری جویای حقیقت باشد لازم است مأمورین ناسدی را که جز کسب مال کوچکتر بی نظری ندارند و ارتش را نظارت یافتن استفاده نموده میجوهند و از هیچکس خرابی نسام میانه ندارند. شدیدا تنبیه کنید و این درد عین ساختگر را که بین مردم ارتش بوجود آورده اند از میان بردارید اگر گفته فلان مأمور دزد است باصلاح است نالایق است آنرا توهین به ارتش نیندازید بلکه متعین کنید اگر کس متعجب بود گویند ما در تنبیه کنید که بسا شما در این مسئولیت بروی که بر عهدهدارید کمک نایید.

اگر چه نوشته قدری طولانی شد ولی تذکرات چندی برای جلب دقت فرماندهان کردستان هم ضروری است.

آقای سر سینه های نرطه آلتیورا که با جانباور در صناعات و راهنامه متکس نودامین جانبانی دریاخته آید که فقط شش از خراو مجلس خرابی ها و حرم و مرجی و این درد عین ساختگر را که بین مردم ارتش مدتی تمدیدی ناشی از بی تمیزی باسوه تبت بوده تکرار و بتکرر آنها را فراموشی نیندازد زیرا بقراری که میبشود رفته رفته این خرابی ها عمل میگردد ولی لازم میدانی در ایجادت که در این پستناط باسوه رشتت جای نموده بگویم مردم پستنا سحت درختان نه و نا ملایبات و بیسین های بیجهت و تشرافش آنها را می

چاره کرده بودیم که ممکن است عده ای ترک وطن را بر تحمل این اوضاع ترجیح دهند نام این اوضاع ناشی از قطع پرستی چندین از افسران پادگان آتپاس است که از رسیدگی اول باید دست این افراد را بشی و اگر کتله کرده و راجع به چند نفر مأمور که تا او را بزرگوارش می کرد در این مناطق چنان مردم میبانشند تحقیقاتی فرمود نتیجه را به مرکز اطلاع دهید تا اولی دولت افلا بداند که مردم آن نواحی گناهش ندارند و هر اتفاقی که میبانه از هیشگو به مأمورین ناسدی چشمه میگردد.

و اگر ایجاب بگویند که در این کشور حق حیات داریم افلا اولیای امورا را گفته واسوه تغییر نمایند.

میشاید در حالی که طرق این صفت بکلی باهم متفاوت و جدا میباشد مثلا کسی که در راه میبرد فردا یا اینکه اطلاع میدانی که کتان جنس بازاری ش کاسو ممکن است پس از مدتی هم کسادتر شود یا خود را از نو توی بندهاخته و بخرق فریک یا اشخاص دیگری نیز قانع نشده و جنس مورد معامله را بگرداند این خورا لاجابت می نامد و هیچ نسبت و ربطی با اراده و تقسیم ندارد.

شاید همین مثل ساه کافی باشد که منی و معلوم غزب لاجابت را باطل میسپارید. در تاریخ و بلکه در زندگی روز مره شواهد زیادی در دست داریم که لاجابت و اسرار بی موضوع به خطا می آید جبران نا پذیری برای اثر تولید کرده پس باید دقت و تعمق نمود که لاجابت را بجای تقسیم بکنیم.

در تقسیم باید اطراف و جوانب کار را بررسی کنیم اگر موضوع کاری خوب و پیشرفت مستحسن است البته باید با عزم راستی آن را دنبال کنیم و اگر نتیجه موضوع باعملی بی می باشد و خسارت و زیانی باطلیع بار می آورد بایستی تکلیف از این ساده ترین میزان برای منجش بین ارادو لغو میسازیم.

خوشبختانه کرام شاهزاده مطبوعه وصنی همیشه در زندگی خود اراده و پشت کار پیدا کنید معشین باشید هم برای خود هم برای جامعه و میبوشد مستحسن خواهد بود چون همیشه انکسار اعیال خوب بود افراد است که در جامعه متمسک میشود و چنانچه همان تبسج افراد است. حالا ناین افراد چگونه باشند اگر خوب اند که جامعه هم خوب خواهد بود و اگر افراد بد باشند طبیعتا جامعه نیز متحول نخواهد شد.

ایشنگه میگویند فلان جامعه و بوساد می رود یا اجتناب طرف اعطاط اخلاقی سر میباید یعنی افراد فاسد و بد اخلاق شده اند و این ناسود باذخاتی بر جمع غلبه یابند و در تمام مظاهر جمعیت با اجتماع میشود و هویداست.

بهم آداب است. اطمینان

اراده چیست؟

اداره از اغرای نظاری و مکتونه هر فرد است و در مدتی لغوی به تقسیم عزم نیز نامیده میشود. لکن از لغوی اصول مهمه صفت انسانی است.

کسیکه در زندگی داری عزم باشد چون چرخ دوازی دراز را تکرار میبانشد همیشه در زندگی سرگردان و حیران است.

اشخاص فاند اراده کمتر کایا میبوشند بزور کایه در جامعه بشری به انداز سروری و پیشوائی و در جات رقیبه رسیده با مکتور کلی دارای اراده ثابت و پایتیزی بودمانند اراده نه فقط برای وصول براتن مافیه لازم است بلکه کاسیکه هیچکس به منظور و مقصودی در زندگی ندارد تا گریز از داشتن عزم و اراده میبانشد فلان کاسب بازار چنانچه اراده نداشته باشد و

کلی خرید و فروش کالی کسی هزاران استخار و استتاره میل آورد بدین است سال بیابان میرسد و او نتوانسته هر روز یک قدم شل فریبده باغروش برساند. جمله منزه که در این فصل نقل نایز از تکلیف آن میباشند این است که در میان اقوام مسلمان اراده و عزم بطور قطع باسینی یا تو کلی داشته و امتزاج داشته باشد یعنی

شخصی که عقیده مذهبی متوکل باشد صاحب اراده خواهد بود.

اراده ضوئیش وسوی، دو دلی و بوفدلی بوده باندازه که عزم و اراده از صفات حسنه و سعجابی شامه میباشد و سواس مکتروه و اساس بدبختی است. در بالا فقط بکنند کاسر-رادر صورت عزم اراده مورد مثل فراز داد بدهد صورتیکه تاجر-زارع-ملک-کشای-بقال مغالرو و عده شام این مثل خواهند بود بچاره- الاخر طایف بقصوس بلکه هر فردی در زندگی نیازتزم اراده و عزم ثابت می باشد.

گاهی بعض اشخاص در ضمیر خود عزم و اراده را با لاجابت و اسرار تعبیر

تنگرانی از کردنی

- ۱- بگوئی کسی ضبط کرد نه در دیانت سند مالکیت از طرف آقای حسانی.
- ۲- موضوع املاک و سعجاب یاران بان زرده سر آتپاس قصر شیرین.
- ۳- موضوع ده کالی وش
- ۴- در دیانت حق عبور از احکام دوسره دیون
- ۵- استفاده از امانت های که در رسوم شهریور بیرو پس از اذیت نشینی در سهره دیون بجا گذاشت.
- ۶- سپس باصل موضوع شکایت و جبران خریداری کرد از طرف شاه سابق و اقدامات و شکایات و پس از شهریور ۲۰ و مراد حسانی که آذنی حسانی برای آنان فراهم نموده اند برداشته و خیلی مفصل و مشروح مطلب را بیان کرده اند.